

هفت پیکر

بارنوسی کتاب هفت پیکر
اثر نظامی گنجهای

به کوشش

مرتضی رشیدی آشجردی و علی اکبر احمدی دارانی

- سرشناسه : رشیدی آشجردی، مه‌ضه ۱۳۵۱ -
- عنوان و نام پدیدآور : هفت پیکر: بازنویس هفت پیکر اثر نظامی گنجه‌ای / به کوشش مرتضی رشیدی آشجردی، علم‌نبر احمدی دارانی
- مشخصات نشر : تهران: میراثبان، ۱۳۹۹.
- مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص. ۵/۲۱×۱۴ س.م.
- شابک : 978-600-50160-07-9
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
- موضوع : کتاب حاضر قبلاً توسط موسسه فرهنگی اهن فلم در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است.
- موضوع : داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
- موضوع : Persian fiction-20th century
- موضوع : نظامی، الیاس بن یوسف، ۹۵۳۰-۹۶۱۴ ق. هفت پیکر - اقتباس‌ها
- موضوع : Nezami, Elias-ibn-Yusuf. Haft peykar-Adaptations
- شناسه افزوده : احمدی دارانی، علی اکبر، ۱۳۵۳ -
- رده‌بندی کنگره : PIR ۸۰۶۷
- رده‌بندی دیویی : ۸۴۳/۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۱۰۷۷۰



هفت پیکر

اثر نظامی گنجهای

به کوشش

مرتضی رشیدی آشجردی

(استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد)

و

طراحی و تدوین: آبر احمدی دارانی

(دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان)

سازش: آریان

مدیر فنی و امور چاپ: حسین ملوفرد

طراحی جلد و صفحه‌آرا: مهرداد

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۹

بها: ۲۱۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: الفبا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۱۶-۰۷-۹

کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران - ص. پ: ۵۶۹ - ۱۳۱۸۵

این اثر از روی تصحیح و چاپ حسن وحید دستگردی بازنویسی شده است.

تصویر روی جلد

«بردن فتنه‌گاو را نزد بهرام در کوشک سرهنگ» در دستنویسی از خمسه نظامی

به نشانی SUPPL PERSAN 1029 در کتابخانه ملی فرانسه، موزخ ۱۰۲۹ ق.

بهرام، مطالب

۳	مقدمه
۸	دیدگاهها
۱۱	فصل اول، بهرام در قصر خورنق
۱۹	فصل دوم، پادشاهی بهرام
۲۷	فصل سوم، فتنه
۳۵	فصل چهارم، لشکرکشی خاقان چین به ایران
۳	فصل پنجم، هفت پیکر
۴۳	بخش اول، بهرام در گنبد سیاه و افسانه شاه سیاه پوشان
۵۳	بخش دوم، بهرام در گنبد زرد و داستان شاه کنیز فروش
۶۳	بخش سوم، بهرام در گنبد سبز و داستان بشر پرهیزگار
۷۶	بخش چهارم، بهرام در گنبد سرخ و افسانه بانوی حصاری

- بخش پنجم، بهرام در گنبد فیروزه رنگ و قصه ماهان ۸۵
- بخش ششم، بهرام در گنبد صندلی و داستان خیر و شر ۸۸
- بخش هفتم، بهرام در گنبد سپید و قصه جوان پاکدامن ۱۰۶
- فصل ششم، بهرام دادگر ۱۱۱
- فصل هفتم، مرگ بهرام ۱۱۷
- بهرامت منابع و مآخذ ۱۲۱

مقدمه

حکیم جمال‌الدین ابو محمد نیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجوی در کنار شاعرانی چون نازک دوس، سعدی، مولوی و حافظ از ارکان استوار شعر فارسی به شمار می‌رود. وی در حدود سال ۵۲۰ هـ.ق در شهر گنجه به دنیا آمد و تمام زندگی‌اش را در همین شهر گذراند. مادرش «رئیس» نام داشت و کردنزاد بود. «آفاق قبیح‌اقتی» اولین همسر است که پس از وفات او، نظامی دوبار دیگر ازدواج کرد و سرانجام در سال ۶۰۲ هـ.ق در ۸۳ سالگی درگذشت. آرامگاه وی در شهر گنجه است که تا نیمه‌های دوران حکومت قاجاریه، برپا بود و پس از آن مورد بی‌توجهی قرار گرفت و به ویرانه‌ای تبدیل شد تا این که به توسط دولت محلی آذربایجان شوروی سابق مرمت و بازسازی گردید.

زندگی نظامی در نیمه‌های پایانی حکومت سلجوقیان سپری شد. روزگاری که دوران شکوه و عظمت پادشاهان مقتدری چون آل بارسلان و ملک‌شاه

سلجوقی به سر آمده بود و جنگ و ستیز میان شاهزادگان برای دستیابی به تخت پادشاهی در گرفته بود. هر چند در دوران حکومت سلطان سنجر سلجوقی آرامشی نسبی در ایران پدیدار شد، اما با شکست او آخرین امیدها برای بازسازی شکوه و عظمت تمدن گذشته از میان رفت. همین عوامل، حیاطی فراهم آورد که حکمرانان محلی فرصتی برای تشکیل حکومت به دست آورند. سلجوقیان عراق، آسیای صغیر و سلجوقیان کرمان از درون حکومت رکز، سلجوقیان مقتدر به وجود آیند. حتی اتابکان نیز که در ابتدا سرپرستی شاهزادگان سلجوقی را به عهده داشتند، دولتهای محلی دیگری مانند اتابکان آذربایجان، موصل و اتابکان فارس ایجاد کردند.

اتابکان آذربایجان در سال ۵۳۱ هـ ق توسط شمس الدین ایلدگز قدرتی به دست آوردند و سمرقند، جهان پهلوان پسر ایلدگز نزدیک به سیزده سال بر عراق و آذربایجان حکومت کرد. پس از او برادرش قزل ارسلان در راه رسیدن به تخت و تاج به قتل رسید و نصرالدین ابوبکر، پسر جهان پهلوان نیز نزدیک به بیست سال بر تخت حکومت تکیه زد و سرانجام پسر دیگر جهان پهلوان، مظفرالدین ازبک وارث تاج و تخت شد. تا آن که در سال ۶۲۲ هـ ق بساط حکومت اتابکان آذربایجان به دست خوارزمشاهان برپیده شد. اتابکانی که شاعران بزرگی چون ظهیرالدین فاریابی، مجیرالدین بیلقانی و خاقانی را تحت حمایت خود داشتند.

در همین دوران شروانشاهان بر شروان و نواحی اطراف آن تسلط داشتند و خاقان اکبر، منوچهر و پسرش اخستان به شاعران توجهی ویژه نشان می دادند. نظامی در چنین محیطی بالید و آثار وی در همین بستر تاریخی

شکل گرفت. اما ارتباط وی با دربار پادشاهان به گونه‌ای دیگر بود و دوری نظامی از دربار حکمرانان تأثیر زیادی در زندگی و شعر او بر جای نهاد. نظامی بزرگترین داستانسرای ادبیات فارسی است. پیش از وی نیز شاعرانی چون عنصری و فخرالدین اسعد گرگانی در زمینه داستانسرایی گامهایی برداشته بودند که نظامی از نوشته‌های آنها بی اطلاع نبود و گویا در سرودن خسرو و شیرین به ریس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی نظر داشته است.

سبک شعر نظامی، نظم عصرانش را که در محیط خاصی از ایران آن روزگار رواج داشت، سبک آن، بایجانی یا ازانی نامیده‌اند. از ویژگیهای این سبک، به کارگیری مسموهای نادر و نامانوس و اصطلاحات علمی رایج در شعر و دیگر قدرت ترکیب آفرینی است.

از دیرباز سروده‌های نظامی به نام سه یا پنج گنج مشهور بوده است که به ترتیب تاریخ سروده شدن اینها هستند: مرن الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندر نامه که شامل در بخش شش‌نامه و اقبال نامه است. از قرن هفتم به بعد تقلید سربازی در تمام دوره‌های ادبی زبان فارسی ادامه یافت و شاعران بسیاری در صدد تقلید از نظامی در سرودن شش‌نامه برآمدند. نخستین و بزرگترین آنها امیر خسرو دهلوی است و پس از او ساعی خون، خواجوی کرمانی، عبدالرحمن جامی، هاتفی، وحشی بافقی، عرفی شیرازی و مکتبی شیرازی و آذربیکدلی نیز سروده‌هایی به تقلید از نظامی پدید آوردند.

یکی از مثنویهای نظامی هفت پیکر است که به نامهای هفت گنبد و بهرام نامه نیز مشهور است. نظامی این منظومه را در ۵۱۳۶ بیت، به سال ۵۹۳ هـ ق سرود و به علاء الدین کرب ارسلان پادشاه مراغه تقدیم کرد. هفت پیکر به

داستان بهرام گور یا بهرام پنجم ساسانی (۴۲۰ - ۴۳۸ م) اختصاص دارد که با داستانهای دیگری به صورت قصه در قصه آمیخته است. نظامی در ابتدای کتاب، پس از توحید و ستایش خداوند و مدح و منقبت پیامبر (ص) و شرح معراج، سبب به نظم کشیدن هفت پیکر را بیان می‌کند و در ادامه به مدح علاء الدین کرپ ارسلان می‌پردازد. سپس فصلی در ستایش سخن و حکمت و اندر آورده. آنگاه به نصیحت فرزند خود می‌پردازد و قصه بهرام را از دوران نردک وی تا هنگام رسیدن به سلطنت بازگو می‌کند.

داستان هفت گنبد که بخش عمده‌ای از منظومه را در برمی‌گیرد، در واقع هفت قصه جداگانه است که توسط هفت دختر از هفت اقلیم جهان در هفت گنبد، برای بهرام ناله می‌سود. پایان کتاب نیز شرح دادگستری بهرام و ناپدید شدن او در غار و دعای علاء الدین کرپ ارسلان است.

عدد هفت از گذشته‌های دور جایگاه و شاهای در بین مردم داشته و از اعداد مقدس به شمار می‌رفته است و گذشتگان به سمات آسمان، هفت طبقه زمین، هفت سیاره، هفت اقلیم، هفت فلز و... اعتقاد داشتند. هفت پیکر نیز از همین اعتقاد سرچشمه گرفته است. در داستان هفت پیکر، هفت گنبد (= هفت کاخ) سیاه، زرد، سرخ، فیروزه‌ای، صندلی و سپید وجود دارند که در هر کدام یکی از هفت دختر پادشاهان هفت کشور به سر می‌برد. نظم داستان بدینگونه است که بهرام هر روز هفته را در یکی از گنبدها و نزد بانوی آن گنبد می‌گذراند. در حالی که لباسی هم‌رنگ همان گنبد به تن کرده و افسانه‌ای که از زبان دختر می‌شنود، مربوط به همان روز و متناسب با همان رنگ است.

با توجه به این که نظامی در آغاز داستان هفت پیکر اشاره می‌کند که این

داستانها و افسانه‌ها از اطراف بخارا و طبرستان به گوش او رسیده است، به طر می‌رسد، اصل این داستانها به دوره‌هایی بسیار قدیمتر از زمان بهرام گور باط باشد.

اما در نوشته حاضر که صورتی بازنویسی شده از هفت پیکر نظامی است، از کتاب هفت پیکر، تصحیح مرحوم حسن وحید دستگردی بهره برده‌ایم و عیما بر این بوده که بخشهای داستانی کتاب را بازنویسی کنیم. به این دلیل برای ایجاد هماهنگی و انسجام بیشتر در داستان، مقدمه منظومه و برخی از توصیفات من که خواننی و خسته کننده به نظر می‌رسید و همچنین بخش پایانی کتاب که در مدح علاء الدین کرپ ارسلان و خارج از چارچوب اصلی داستان بوده است، همگی را حذف و خلاصه‌تر کرده‌ایم. متن بازنویسی شده از آغاز داستان بهرام گور است. البته و تأیید بیشتر نیز بر روی هفت پیکر افسانه‌های نقل شده در هفت گنبد بوده که با ایجاد فضاسازی و گسترش داستانها و استفاده از امکانات زبانی در حدّ توان، سعی در حفظ هسته و جهت‌گیری کلی داستان داشته‌ایم.